مقاله

## چرا افزایش نرخ ارز منجر به افزایش صادرات نمی‌شود؟

■ ادامه از صفحه اول

نکته بسیار مهم دیگر اما این است که با افزایش نرخ ارز، تورم شدیدی به اقتصاد تحمیل می‌شود و قدرت خرید مردم از بین می‌رود. وقتی مردم قدرت خرید خود را از دست دادند، تولیدکننده داخلی، بازار داخلی را که در دسترس‌ترین و نقدترین بازار است، از دست می‌دهد. وقتی مردم نتوانستند خرید کنند، تولید کاهش می‌یابد، رکود بر اقتصاد حاکم می‌شود و تولیدکننده به ناچار کارگران خود را اخراج می‌کند (متأسفانه سال‌هاست در این مرحله هستیم و یکی از ریشه‌های از دست رفتن دهه ۹۰ را باید در همین‌جا جست). قسمت مضحک ماجرا این است که با افزایش نرخ ارز و کاهش قدرت خرید مردم خودمان، بازار داخلی را نابود می‌کنند و می‌گویند می‌خواهیم بازار خارجی را فتح کنیم!

اما این چرخه فقط برای یک طیف مطلوب است و آن طیف خام‌فروشان و نیمه‌خام‌فروشان است. هرچه تولید داخلی کاهش یابد، تقاضای داخلی برای مواد اولیه نظیر فولاد، مواد پتروشیمی، مس و آلومینیوم کاهش خواهد یافت و اینها می‌توانند محصولات خود را نیمه‌خام صادر و درآمد ارزی کسب کنند. بلندگوهایشان را نیز به خط می‌کنند تا برای افزایش نرخ ارز هم تئوری ببافند، هم عملیات روانی کنند. دولت‌ها با توهم افزایش صادرات کشور، تن به افزایش نرخ ارز می‌دهند، اما در عمل از افزایش صادرات خبری نیست. تولید نیز از دو جهت، یعنی افزایش قیمت تمام شده و کاهش قدرت خرید مردم، نابود می‌شود. اما در عوض، با افزایش نرخ ارز، این نیمه‌خام فروشان هم دلارهای حاصل از صادرات خود را گران‌تر می‌فروشند، هم محصولات خود را که به قیمت‌های جهانی به داخل می‌فروشند، در دلار گران تری ضرب و سودهای نجومی کسب می‌کنند.

دولت بعدی که سر کار می‌آید، از تجربه ناکام دولت قبلی بی‌خبر است و در پشت این پرده بی‌خبری (به قول جان رالز!) نسخه معجزه‌آسای کاهش ارزش ریال برای توسعه صادرات مجدداً برای رؤسای جدید رونمایی می‌شود و این داستان ادامه دارد...

اگر می‌خواهیم تولید جان بگیرد و صادرات رونق داشته باشد، از قضا راهش افزایش ارزش ریال است، نه کاهش ارزش ریال. وقتی ارزش ریال حفظ شد، مردم قدرت خرید پیدا می‌کنند و این یعنی بهره مند ساختن تولیدکننده داخلی از بازار داخلی. وقتی نرخ ارز پایین آمد، قیمت مواد اولیه (چه داخلی و چه وارداتی) و نیز قیمت تمام‌شده محصول برای تولیدکننده داخلی پایین می‌آید و او می‌تواند در بازارهای جهانی رقابت کند، لذا انگیزه افزایش صادرات پیدا می‌کند. بارها فریاد زده‌ام و باز تکرار می‌کنم، پروژه شبکه نفوذ در جریان این جنگ اقتصادی کاملاً روشن است: «ایجاد یک طبقه الیگارشی غرب‌گرای مسلط بر منابع ایران که قدرت خرید مردم و تولید را نابود، و دولت را فقیر و ضعیف کنند تا صادرات مواد خام از ایران تسهیل و تشدید شود».

این خام‌فروشان، دولت را انذار می‌دهند که اگر قیمت ارز را کنترل کنید، صادرات ما آسیب می‌بیند، بنابراین ارزآوری ما مختل می‌شود و نیاز ارزی کشور تأمین نمی‌شود و بحران ایجاد می‌شود و...

دولت ذره‌ای نباید به این تهدیدها وقعی نهد. امروز ما فقط و فقط در صنایع پایین‌دست پتروشیمی ۷۰ درصد ظرفیت خالی داریم. ظرفیت خالی داریم، یعنی نیاز به سرمایه گذاری برای تولید نداریم. همه چیز آماده است، اما گرانی مواد اولیه از یک سو و محرومیت از بازار داخلی به دلیل فقدان قدرت خرید مردم از سوی دیگر، تولید را دچار رکود کرده است (ارقام رشد که گزارش می‌شود نباید فریب‌مان دهد. همه مربوط به صنایع بالادست است و جلوتر عرض خواهم کرد چرا باید به جای خوشحالی، بر آن گریست). بر اساس مطالعات دقیق انجام شده، اگر مواد پتروشیمی داخلی به قیمت مناسب به تولیدکنندگان پایین دست فروخته شود تا بتوانند در بازارهای جهانی رقابت کنند، حداقل سه برابر ارزی که پتروشیمی‌های خام‌فروش با صادرات به دست می‌آورند، برای کشور ارزآوری خواهند داشت.

این حقیر فقط و فقط نگران روزی هستم که وقتی از این خواب بیدار شویم که در نتیجه این سیاست‌های غلط، نفت، گاز و معادن این کشور که به عنوان سرمایه خود به آن می‌بالیم، خام و نیمه‌خام صادر شده باشد و اگر آن روز بخواهیم (و با این بلایی که سر تولید آورده‌ایم، بتوانیم!) تولید پایین دست را فعال کنیم، باید مواد خام وارد کنیم. والله اگر اختیاری داشتم، اجازه نمی‌دادم یک گرم ماده خام از این کشور خارج شود، مگر اینکه از سر اضطرار به ارز آن نیاز باشد و روی سنت‌سنت آن ارز نظارت آهنین می‌کردم تا هدر نرود و به هدف اصابت کند. به قول شهید باقری، باید به خود جرئت داد که این نوع جنگیدن به درد نمی‌خورد و لازم است استراتژی در این جنگ عوض شود...

نمی‌توان و نباید از روی جدول، نمودار و آمار اقتصاد کشور را تحلیل کرد و برایش نسخه پیچید. نباید اجازه داد افراد از پشت میز دانشگاه به پشت میز مدیریت عروج کنند و تا آزمون جامع‌شان را دادند و از رساله‌شان دفاع کردند، ردای اقتصاددانی بپوشند و برای کشور سیاست بنویسند.

اقتصاد نه کتاب است، نه ماشین حساب. مراودات پیچیده انسانی و معادلات پیچیده‌تر سیاسی و مناسبات هولناک قدرت و ثروت را کنار گذاشتن و با استناد به چند قلم نمودار و آمار، تحلیل اقتصادی ارائه دادن، اشکالی ندارد، اما برای سرگرمی خوب است، نه سیاست‌ورزی و اداره کشور...

خبر

## همه مطالبات گندمکاران پرداخت شد

**وزیر جهادکشاورزی گفت: با واریز ۳۵ هزار میلیارد تومان دیگر و جمع کل ۱۵۶ هزار میلیارد تومان، همه مبلغ گندم خریداری شده از کشاورزان از سوی دولت در سال زراعی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ پرداخت شد.**

به گزارش «جوان» به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت جهادکشاورزی، محمدعلی نیکبخت از پایان تسویه مبلغ گندم خریداری شده در سال زراعی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ خبر داد و گفت: امسال وزارت جهادکشاورزی با کمک دولت توانست ۱۰ میلیون و ۳۵۷ هزار تن گندم از کشاورزان ۳۱ استان کشور خریداری کند.

وزیر جهادکشاورزی با تشکر از دولت مردمی افزود: رئیس‌جمهور در هر موقعیتی پیگیر مطالبات گندمکاران بود و از تأکیدات ایشان در هیئت دولت پرداخت مبلغ گندم به کشاورزان در سریع‌ترین زمان ممکن بود. نیکبخت با مؤثر خواندن اقدام وزارت جهادکشاورزی در خرید تضمینی گندم یادآور شد: خرید این مقدار گندم در سال زراعی که پشت سر گذاشتیم، کشور را در تولید گندم به خودکفایی رساند و یکی از توفیقات بزرگ دولت در تولید و تامین این محصول استراتژیک رقم خورد.

وی در همین رابطه بار دیگر از کشاورزان کشور تشکر کرد و اظهار داشت: وزارت جهادکشاورزی به وعده خود در پرداخت مطالبات گندمکاران تا پایان مهرماه عمل کرد و این ایفای تعهد در حالی است که میزان خرید تضمینی گندم نسبت به سال قبل آن از ۴۴ درصد رشد برخوردار بود. نیکبخت خاطر نشان کرد: از رئیس دولت، معاون اول و رئیس دفتر رئیس‌جمهور کمال تشکر را دارم و نیز از سازمان برنامه و بودجه، نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و همه کسانی که ما را در انجام تعهدات یاری رساندند، سپاسگزارم.

گزارش یک

وحید عظیم‌نیا

«جوان» تازه‌ترین آدرس غلط نامزد پوششی انتخابات ۹۶ را بررسی می‌کند

# سیاهی کارنامه جهانگیری با نفت پاک‌شدنی نیست

**معاون اول رئیس دولت قبلی در حالی به افزایش درآمدهای نفتی حمله کرده است که ۸ سال برای آنچه برجام می‌نامیدند تا درآمد نفتی داشته باشند، دوید!**

**«اسحاق جهانگیری»، این اسم به تنهایی کافی است تا با شنیدن آن، سیاهی اقتصاد دهه ۹۰ سر آدمی آوار شود، ولی بی‌آزرم را چه باک از آزردن دیگران! معاون اول رئیس دولت دوازدهم که روزی ردای لچر «نامزد پوششی انتخابات» را به تن کرد و روزگاری دمار از روزگار مردم درآورد، این روزها از سایه برون شده و هر از چندگاهی با اظهارلحیه‌های ریم‌آلود، نمک نیش بر زخم‌های کهنه و جامانده از دهه ۹۰ می‌زند. لابد خصلت نظام حکمرانی بیمار همین است که گذر زمان بدهکاران را طلبکار می‌کند و مقام ناظر نیز از دور صرفاً به «گفتار درمانی» بسنده می‌کند! آنچه مهم است اینکه اظهارات بدون پشتوانه امثال این مسئول بی‌مسئول پیشین، دردی از نام ننگین به‌جامانده دوا نخواهد کرد. اینکه در دورهمی حزب به اصطلاح «کارگزاران سازندگی» ادعا شود «افزایش درآمد نفت، نه تنها پشتوانه توسعه نشد بلکه دستاوردهای گذشته توسعه را از بین برد» از قماش همین اظهارات بی‌پشتوانه است، چرا؟ گزارش پیش‌رو به پاسخ این سؤال پرداخته است.**

طرح: حسین کشتکار/جوان

یکی از محورهای کلیدی در زمینه توسعه اقتصادی، استفاده از سود فروش منابع طبیعی است تا سود حاصل از فروش و صادرات منابع طبیعی به صورت کامل در توسعه زیرساخت هزینه و علاوه بر رشد اقتصادی پایدار، موجب گسترش رفاه اجتماعی شود اما تعبیر غلط و اشتباه از اینکه نفت موجب بدبختی ما شده است، در بهترین حالت نشان از سطح غلط فهم موضوعات توسعه دارد. اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس دولت قبل در اظهاراتی مدعی شده نفت نه تنها کمکی به توسعه کشور نکرده بلکه آن را متوقف نیز کرده است و افزایش درآمد نفت، نه تنها پشتوانه توسعه نشد بلکه دستاوردهای گذشته توسعه را نیز از بین برد.

این حرف‌ها را معاون اول دولت روحانی زده است؛ کسی که در دولت تحت مدیریتش برای فروش نفت در کشور، به امضای برجام و مذاکرات اقدام کرد. نفت و درآمدهای نفتی به خودی خود بد نیستند اما اگر ابزار سیاستگذاری اقتصادی دولت تنها منوط به درآمدهای نفتی و فروش نفت باشد، آنگاه باید فاتحه توسعه را خواند. خوانش دیگری از توسعه اما در تفکرات افراد دیگر دولت روحانی وجود دارد که ما باید جای عربستان می‌بودیم و به محور اصلی تأمین‌کننده بازار نفت غرب تبدیل می‌شدیم! و عربستان را الگوی توسعه کشور می‌دانند و تز فروش ۱۰ میلیون بشکه نفت خام را می‌دهند. اینها همه در حالی است که هم دید «درآمدهای نفتی بد است» و هم دید «بشویم یک کشور خام‌فروش و فقط نفت خام بفروشیم و همه چیز را وارد کنیم» هر دو غلط است. این دو دیدگاه غلط موجب شده است توسعه در کشور ما قربانی شود و دلیل این عقب‌ماندگی در توسعه اقتصادی نه تنها درآمدهای نفتی نیست بلکه سیاستگذاری بد و غلط دولت‌ها بوده است که از درآمدهای سرشار نفتی به بدترین شکل ممکن استفاده کردند. مسئله اصلی نقطه توجه مسئولان است، اگر مانند اسحاق جهانگیری تنها به دنبال این باشیم که توسعه کشور را از مسیر درآمدهای غیرنفتی برویم، صدها سال نیز به توسعه نخواهیم رسید، زیرا در بخش‌های دیگر نیز مانند نفت مشکل وجود دارد، مثلاً اگر محصولات معدنی به صورت خام صادر می‌کردیم هم دوباره همین مشکل را داشتیم یا مثل قطر صادرات عمده گاز طبیعی در دست‌مان بود. مسئله درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در دسترس کشورها نیست بلکه مسئله و موضوع اصلی سیاستگذاری برای این موضوع است.

با نگاهی به توسعه اقتصادی و صنعتی کشورها، هدایت منابع به سمت گسترش و تکمیل زنجیره‌های ارزش و جهش تولید یکی از مهم‌ترین محورهای توسعه صنعتی کشورها بوده است. اینکه ما به جای درس گرفتن از توسعه کشورهای دیگر با اعطای حمایت‌های غلط مانند بازار رانتی و ایجاد انحصار در بازار، علاوه بر نابودی امکان رقابت‌پذیری، صنایعی بسیار خام‌فروش درست کردیم، هنرمندی و اشتباهات سیاستگذاری اقتصادی مسئولان بی‌مسئولی همچون اسحاق جهانگیری بوده است.

در همین دولت قبلی که اسحاق جهانگیری معاون اول آن بود، به جای هدایت صحیح منابع کشور به سمت گسترش زنجیره‌های ارزش صنعتی، پول نفت خرج پایین نگه‌داشتن قیمت ارز شد و به جای توسعه به هزینه‌های جاری رسید و به جای اینکه مانند بقیه نقاط دنیا به سمت پاسخگویی به هزینه‌های جاری با اخذ مالیات واقعی از بخش‌های مختلف اقتصادی برویم، با معافیت‌های گاه‌وبی‌گاه و بسیاری نیز به صورت بیجا و بدون اضطرار، منابع نفتی کشور را نابود کردیم. خروجی وضعیت فعلی صنعتی کشور نه درآمدهای نفتی بلکه اشتباهات در سیاستگذاری منطقی و حکمرانی عقلایی بوده است.

به طور مثال یکی از رویکردهای مهم توسعه، هدایت منابع به سمت توسعه صنعتی مبتنی بر افزایش تحقیق و توسعه است. اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه موضوعی بوده است که سه دهه پس از پایان جنگ جهانی دوم به سمت هدایت منابع دولت در جهت تحقیق و توسعه صنعتی رفته‌اند. این رویکرد بعد از ۴۰ سال از ورود اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه به اقتصادهای توسعه‌ای جهان، تازه به ایران وارد شده و دلیلش نه درآمدهای نفتی بلکه عدم سیاستگذاری مناسب است. نکته اصلی در عدم توسعه کشور و از بین رفتن دستاوردهای توسعه قبلی، نبود یک رشته ارتباطی قوی از سیاست‌های حکمرانی مرتبط با توسعه است که متأسفانه در صنایع بزرگ خام‌فروش شدیم. فعلاً و قطعاً می‌شود از این وضعیت هم با درآمد نفت و بدون آن عبور کرد، فقط باید سیاستگذاری درستی داشت ولی درآمد نفتی این دوران گذار را راحت‌تر و سریع‌تر خواهد کرد، مثلاً حجم بالای تخصیص یارانه مشروط حمایتی به صنایع بدون فشار بر بودجه یا اعطای اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه بدون نگرانی از تأمین منابع از این دست نگرانی‌هاست که به این شکل حل خواهد شد.

از همین رو نیز باید سیاستگذاری‌ها را اصلاح کنیم و مهم‌ترین محل ورود این سیاستگذاری‌ها، تمرکز بر اصلاح قوانین توسعه‌ای کشور است، مهم‌ترین منبع ورود نیز در وضعیت فعلی و زمان حال حاضر برنامه هفتم توسعه است.

### ■ سیاستگذاری هوشمندانه، تعیین‌کننده توسعه است نه درآمدهای نفتی

مهراب سپهری، کارشناس حوزه سیاستگذاری توسعه‌ای در گفت‌وگو با «جوان» اظهار کرد: مسئله درآمدهای نفتی و به صورت کلی درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی همواره خوب بوده است اما جایی که مشکل دارد اینکه بحث تخصیص این منابع به کدام سمت است؟ این موضوع مهمی است که باید توجه کرد. در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ که توسعه صنعتی کشور بعد از جنگ در حال شکل‌گیری بود، منابع نفتی کشور به جای اینکه در خدمت توسعه پایدار کشور هزینه شود، به سمت تزریق از این منابع نفتی در بودجه جاری رفتیم و تا حالا نیز این مشکل خرج منابع توسعه‌ای کشور حاصل از فروش نفت در بودجه جاری حل نشده است.

وی ادامه داد: در رابطه با محوریت صنایع شکل گرفته در کشور نیز اشتباه بسیار بزرگی رخ داد. در بخش صنایع کشور، توسعه کشور به سمت صنایع انرژی‌بر رفت و حتی زنجیره ارزش نیز تداوم پیدا نکرد و در این نقطه نیز متوقف نشد و به جای توسعه زنجیره ارزش، تعداد کثیری از صنایع انرژی‌بر مشابه تولید کردیم که صنعت فولاد کشور در حال حاضر بیانگر این توسعه غلط بوده است که محصولات با ارزش افزوده پایین صادر و در عوض محصولات انتهای زنجیره را وارد می‌کنیم. در صنعت پتروشیمی وضعیت بسیار بدتر بوده است و در شاخه گاز به سمت یکی از بدون بازده‌ترین مواد شاخه پتروشیمی‌های گازی یعنی متانول رفته‌ایم و حالا حتی فروش متانول از فروش خام گاز طبیعی خوراک آن نیز ارزش افزوده کمتری دارد و در حال حاضر منابع و زمان کشور خرج توسعه غلط متانول بدون هیچ امکان‌سنجی برای توسعه بازارها شد. این وضعیت ما را به یک کشور دارای صنایع مادر تخصصی ولی گرفتار در تله انرژی مجازی و صادرات محصولات خام تبدیل کرده است.

این کارشناس حوزه سیاستگذاری توسعه‌ای با اشاره به لزوم سیاستگذاری صحیح در این زمینه گفت: حال نمی‌توانیم بگوییم که به ما ربطی ندارد که شاهد این وضعیت هستیم و از این به بعد به ما مربوط است! باید در زمینه اصلاح این وضعیت و به کارگیری صحیح منابع نفتی و غیرنفتی در جهت اصلاح این وضعیت حرکت کنیم که بارقه‌هایی از امید را در برنامه هفتم توسعه می‌توانیم ببینیم، به عنوان نمونه مدل جدیدی از تخصیص منابع به سمت توسعه صنعتی و فناورانه کشور را شاهد هستیم. علاوه بر اینکه توسعه دیمی و بدون بازاریابی مناسب صنایع نظیر متانول متوقف شده است، بلکه روی زنجیره‌های ارزش نیز تمرکز کرده‌ایم. در حال حاضر صنایع مادر در فولاد و پتروشیمی داریم که باید به سمت بیشترین ارزش افزوده ممکن در طول سال‌های اجرای برنامه هفتم توسعه برویم. وی در پایان افزود: باید فعالیت‌های تحقیق و توسعه بنگاه‌های اقتصادی را تقویت کنیم و بهترین راه در این زمینه به‌کارگیری منابع در دسترس کشور برای توسعه در جهت توسعه زنجیره‌های ارزش مرتبط است که تحت مدل جدید حمایتی مشروط دولت از صنایع در برنامه هفتم توسعه به آن اشاره شده است. دو بخش اصلی هدایت منابع توسعه‌ای کشور به سمت صنایع در بخش اعطای یارانه و اعطای مشوق‌های مالیاتی بوده که در برنامه هفتم حکمی مصوب شده است که اعطای یارانه انرژی و اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه مبتنی بر حرکت و هدایت منابع در سمت زنجیره ارزش باشد. همین دو اصلاح کوچک اما مهم، محور اصلی توسعه صنایع کشور و جهش فناورانه صنعتی خواهد بود که صنایع را به جهت بهره‌مندی از این منابع توسعه‌ای نفتی و غیرنفتی به سمت توسعه زنجیره‌های ارزش خواهد برد.

### ■ جمع‌بندی

به نظر می‌رسد اظهارات این روزهای اسحاق جهانگیری و برخی هم گعده‌ای‌هایش مصرف انتخاباتی دارد، ولی آنچه مهم است اینکه نباید مسیر روبه‌جلوی کشور را با دادن آدرس‌های غلط تحت‌الشعاع قرار دهند. حال که برنامه‌های انتخاباتی دارند، بهتر است به این مهم توجه کنند که در حوزه حکمرانی باید بلد باشیم با هر بخش از منابعی که داریم به سمت استفاده کاراتر از این منابع در جهت خواست‌های توسعه‌ای برویم و حمایت مشروط یارانه‌ای و مالیاتی از صنایع در هدف‌گذاری برای جهش فناورانه و توسعه زنجیره ارزش بسیار اثرگذار است و اینچنین سیاستگذاری‌هایی مسیر توسعه فناورانه و جهش صنعتی را فراهم می‌کند نه بودن یا نبودن منابع نفتی.

گفت‌وگو

عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه اهواز در گفت‌وگو با «جوان»:

## خودروهای پرمصرف و فرسوده عامل ناترازی بنزین هستند

**عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه اهواز معتقد است بنزین جزو کالاهای راهبردی محسوب و عدم‌مدیریت صحیح مصرفش در داخل کشور موجب وابستگی ما به واردات می‌شود. فرسودگی خودروها نیز از دیگر عوامل مؤثر بر بالا رفتن میزان مصرف بنزین در کشورمان است. متأسفانه ما در کشورمان چیزی به نام از رده خارج کردن خودروها نداریم و سالیان سال از آنها استفاده می‌کنیم. همین امر باعث بالا رفتن مصرف بنزین در کشور می‌شود. گاه این خودروها بیشتر از ۱۵ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر پیمایش مصرف بنزین دارند که رقم بسیار بالایی است.**

یکی از مباحث مهم در بخش خودروها، فرسودگی آنها و سال‌ها عقب‌ماندگی در زمینه خروج از مدار خودروهای فرسوده از چرخه حمل و نقل کشور است. طبق اعلام معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست کشور، از ۲۵ میلیون خودروی در حال تردد در کشور ۶/۵ میلیون خودرو فرسوده هستند. به عبارتی تقریباً به ازای هر چهار خودروی در حال تردد در جاده‌های درون‌شهری و برون‌شهری، یک خودرو فرسوده است که هم مصرف بنزین بالایی دارد و هم آلایندگی آن به مراتب از خودروهای دیگر بیشتر است. خودروهای صفر کیلومتر داخلی نیز کمتر از خودروهای فرسوده در این مشکل نقش ندارند. مصرف این خودروها بسیار بالاتر از استاندارد جهانی است و به همین دلیل به ناترازی بنزین در کشور دامن زده‌اند.

مرتضی افقه، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اهواز در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به این موضوع که عوامل مختلفی در بالا رفتن مصرف بنزین در کشور مؤثر هستند و برای بررسی این موضوع باید نگاه همه‌جانبه‌ای داشته باشیم، تصریح کرد: ممکن است قیمت پایین بنزین در کشور بر مصرف آن تأثیر گذاشته باشد، اما خودروهای پرمصرف ساخت داخل و بالا بودن حجم ترافیک در کشور از عوامل مهم تأثیرگذار بر این موضوع هستند. وی در ادامه گفت: دولت باید مجموعه اقداماتی را به اجرا بگذارد تا در نهایت به حل و فصل مشکل ناترازی بنزین برسیم. باید چاره‌اندیشی‌ای در مورد خودروهای بی‌کیفیت و پرمصرف داخلی داشته باشیم. به هر نحوی که می‌توانیم باید از خودروهایی استفاده کنیم که مصرف پایینی دارند. افقه گفت: متراکم‌شدن جمعیت در شهرهای بزرگ و اینکه عمدتاً در این شهرها افراد خانواده خودروی جداگانه دارند، بر افزایش ترافیک و بالا رفتن میزان مصرف بنزین اثرگذار بوده است، بنابراین عدم‌پراکندگی مناسب جمعیت در سطح کشور و انجام ندادن آمایش سرزمین به درستی نیز به بروز شرایط فعلی کمک کرده است. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اهواز یادآوری کرد: لازم است مدیریت مصرف را با سیاستگذاری‌های صحیح در دستور کار قرار دهیم. در این چاره‌اندیشی‌ها باید نگاه جامعی داشته باشیم و فقط مصرف‌کنندگان را مقصر ندانیم. مسئله خودروهای پرمصرف و فرسوده و ترافیک بالا از اهمیت بالایی برخوردار هستند که باید برای‌شان راهکاری پیدا کنیم. افقه در پایان تأکید کرد: سیاستگذاری‌های عاجل و صحیح برای حل‌وفصل مشکل ناترازی بنزین ضروری به نظر می‌رسد، در غیر این صورت، در حالی که خودمان دارای منابع عظیم نفتی هستیم به وارد‌کننده بنزین تبدیل می‌شویم که به نفع کشور نخواهد بود.

گزارش ۲

بهناز قاسمی

## فرمان و چرخ خودرو را هم «آپشن» تلقی کنید!

**تخلف یکی از شرکت‌های خودروساز محرز شد. این شرکت بابت کفی صندوق عقب، کفی سه‌بعدی و صندلی چرمی که جزو ابتدایی‌ترین متعلقات خودرو است ۹۸میلیون ریال اضافه‌تر از مشتری دریافت کرده بود!**

**خبر ترفند جدید خودروسازان ۲۶مهر رسانه‌ای شد. ماجرا از این قرار بود که هشت محصول قدیمی ایران‌خودرو با نصب آنچه «آپشن‌های جدید» عنوان می‌کنند، ۸۰ تا ۱۷۰میلیون تومان مجوز افزایش قیمت از شورای رقابت گرفت. این مجوز گرانی در حالی است که روز گذشته سازمان تعزیرات از محکومیت ۱۰هزار میلیارد ریالی یک شرکت خودروساز داخلی بابت محاسبه کفی صندوق عقب، کفی سه‌بعدی و صندلی چرمی که جزو ابتدایی‌ترین متعلقات خودرو است، به عنوان آپشن پرده برداشت. فاش‌شدن این تخلف اخیر، حاکی از این واقعیت است که قیمت‌گذاری خودرو از سوی خودروسازان و شورای رقابت غیرکارشناسی و به اصطلاح کیلویی انجام می‌شود. احتمالاً به زودی بابت فرمان، لاستیک و نصب چراغ خودرو نیز مبالغ اضافه‌تری از خریداران خودرو طلب شود!**

گران‌فروشی خودروسازان به بهانه‌های مختلف از جمله گران‌شدن نرخ ارز، مواد اولیه و استانداردهای جدید اتفاق جدیدی نیست. در سال‌های اخیر که تیراژ تولید کمتر از تقاضای بازار شده، گران‌فروشی به بهانه‌های مختلف حتی آپشن‌های من‌درآوردی نیز رواج یافته است، البته در برخی مواقع همین خودروسازان به منظور کاهش هزینه‌های تولید و صرفه‌جویی، برخی قطعات خودرو مانند زه کنار در خودرو و ضبط صوت را حذف کرده‌اند. در تازه‌ترین اتفاقی که خودروسازان رقم زده‌اند، افزایش ۸۰ تا ۱۷۰میلیون تومانی خودروهای ایران‌خودرو به بهانه نصب آپشن‌های جدید است. نکته قابل توجه، موافقت شورای رقابت با این ترفند غیرمنصفانه بود، زیرا این شورا دو سالی است قیمت‌گذاری خودرو را به عهده گرفته و مدام از بررسی کارشناسی درخواست‌های افزایش قیمت خودروسازان سخن می‌گوید و با ژست قیمت‌گذاری کارشناسی، قیمت‌های بالای خودروسازان را به خورد مشتریان می‌دهد، غافل از اینکه این نرخ‌ها نه تنها کارشناسی و بر مبنای نرخ تورم بانک مرکزی نیست، بلکه در بسیاری از موارد کیلویی است.

زمانی که شورای رقابت تعیین قیمت خودرو را در دولت سیزدهم به دست گرفت، این امید وجود داشت که قیمت‌گذاری در شورایی بی‌طرف تعیین می‌شود و حقوق مصرف‌کنندگان دیگر تضییع نخواهد شد، اما اتفاقاتی که در هفته‌های اخیر رخ داده این واقعیت را القا می‌کند که این شورا فقط نام بی‌طرفی و بررسی کارشناسی را یدک می‌کشد و در حقیقت گوش به فرمان خودروسازان و وزارت صمت است. دلیل این ادعا اظهارات سپهر دادجوی توکلی، مسئول روابط عمومی مرکز ملی رقابت است که ۲۶مهر در پی افزایش قیمت هشت محصول ایران‌خودرو گفت: این هشت خودرو از نظر معاونت حمل‌ونقل وزارت صمت، خودروهای جدید تشخیص داده شده است، بنابراین شورای رقابت این خودروها را قیمت‌گذاری کرد.

### ■ محکومیت یک خودروساز به دلیل گران‌فروشی ۹میلیون تومانی

سازمان تعزیرات و سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان که در ۴۰روز گذشته در ماجراهای احتکار و گران‌فروشی خودروسازان روزه سکوت گرفته بودند، در روزهای اخیر از گران‌فروشی یکی از خودروسازان پرده برداشتند. طبق گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان تعزیرات حکومتی، مدیر روابط عمومی این سازمان از گران‌فروشی محرز یکی از خودروسازان خبر می‌دهد و می‌گوید: شعبه هفتم ویژه رسیدگی به تخلفات مهم و ملی سازمان تعزیرات حکومتی به تخلف یک شرکت خودروساز برای گران‌فروشی نصب امکانات ۲هزار و ۶۴۷دستگاه خودرو رسیدگی کرد. شهرام محسنی می‌افزاید: بر اساس اعلام کارشناسی سازمان حمایت، مواردی همچون کفی صندوق عقب، کفی سه‌بعدی و صندلی چرمی جزو ابتدایی‌ترین متعلقات خودرو بوده و نمی‌توان برای چنین قطعاتی هزینه مازاد دریافت کرد که متأسفانه شرکت خودروساز ۹۸میلیون و ۱۰۰هزار ریال به ازای هر خودرو از مشتریان دریافت کرده بود.

محسنی میزان گران‌فروشی را جمعاً ۲۵۹میلیارد و ۶۷۰میلیون ریال اعلام کرد و افزود: شعبه رسیدگی‌کننده با توجه به ارائه نکردن هیچ گونه مستندی از رضایت مشتریان برای نصب قطعات و مطابق گزارش کارشناسی، اتهام انتسابی را محرز و شرکت را با در نظر گرفتن سابقه تخلف به پرداخت ۱۰هزار و ۳۸۷میلیارد ریال جزای نقدی، ممهور کردن پروانه شرکت به مهر تخلف دوم و بازگرداندن مبالغ اضافی به خریداران خودرو در سال ۱۴۰۱ محکوم کرد.

به گفته مدیرکل روابط عمومی سازمان تعزیرات حکومتی، این شرکت، برابر قانون باید به مدت شش ماه از دریافت هرگونه خدمات دولتی محروم می‌شد اما برای حمایت از تولید و اشتغال در راستای شعار سال، مجازات جایگزین پرداخت ۳میلیارد و ۱۷۲میلیون ریال جریمه برای شرکت در نظر گرفته شد. محسنی می‌گوید: شعبه رسیدگی‌کننده همچنین مدیرعامل این شرکت را به عنوان شخص حقیقی به پرداخت ۶هزار و ۴۹۱میلیارد ریال جریمه نقدی محکوم کرد.

همچنین رئیس سازمان حمایت حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نیز با تأیید این خبر درباره اینکه چرا سازمان حمایت نام شرکت‌های خودروساز متخلف را اعلام نمی‌کند، در حالی که سازمان استاندارد به راحتی این کار را انجام می‌دهد، می‌گوید: ما بر اساس قانون عمل می‌کنیم و تا زمانی که رأی قطعی دادگاه اعلام نشده و مراحل قضایی طی نشده است، نمی‌توانیم نام شرکت متخلف را اعلام کنیم.

محمدحسن نکویی‌مهر می‌افزاید: رأی مربوط به جریمه ۳/۵میلیارد تومانی یک خودروساز متخلف نیز از نظر ما قطعی شده است، اما باید به هر حال مراحل قانونی و قضایی آن طی و در نهایت نام این شرکت نیز اعلام شود. وی تأکید می‌کند: اعلام نام شرکت متخلف پیش از قطعی‌شدن جرم، ظلم به برندی است که برای پا گرفتن آن تبلیغات زیادی شده است و به طور کلی اعلام اسم شرکت متخلف قبل از صدور حکم قانونی نیست. این مقام مسئول می‌افزاید: شرکت‌های گران‌فروش در صورت ادامه تخلف با جریمه‌ای دو برابر جریمه‌های کنونی مواجه خواهند شد.

### ■ جمع‌بندی

با روندی که خودروسازان داخلی پیش گرفته‌اند، احتمالاً به زودی بابت دو جفت لاستیک خودرو و احیاناً نصب چراغ جلو و عقب خودروها باید مبالغ اضافه‌تری از خریداران خودرو دریافت خواهد شد و احتمالاً چرخ و فرمان نیز جزو آپشن حساب خواهد شد. بگذریم از ترفندهایی که برای تحویل خودرو به خرج می‌دهند و از زمانی که وجه خودرو کامل دریافت می‌شود تا زمانی که خودرو فاکتور و تحویل متقاضی می‌شود سه تا چهار ماه به طول می‌انجامد و مشتری را معطل نگه می‌دارند.